



بررسی نقش واسطه ای رضایت زناشویی در رابطه بین سبک زندگی و استرس والدگری با بهزیستی روانی در مادران کودکان استثنایی

لیلا انصاری اردلی^۱، بهنام مکوندی^۲، پرویز عسگری^۳، علیرضا حیدری^۴

۱- دانشجوی دکتری روانشناسی کودکان استثنایی، گروه روانشناسی، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران

۲- دانشیار گروه روانشناسی، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران

۳- دانشیار گروه روانشناسی، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران

۴- دانشیار گروه روانشناسی، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران

چکیده

هدف از پژوهش حاضر، بررسی نقش واسطه ای رضایت زناشویی در رابطه بین استرس والدگری و سبک زندگی با بهزیستی روانی در مادران کودکان استثنایی بود. در این مطالعه توصیفی همبستگی، جامعه آماری را تمامی مادران کودکان استثنایی شهر بجنورد را تشکیل دادند که به روش نمونه گیری هدفمند تعداد ۹۰ نفر به عنوان نمونه برگزیده شدند. ابزار پژوهش عبارت از پرسشنامه های رضایت زناشویی (MSQ)، استرس والدگری (PSI)، سبک زندگی (LSQ) و بهزیستی روانی ریف (PWBQ) بودند. ارزیابی مدل پیشنهادی با استفاده از روش تحلیل مسیر انجام گرفت. نتایج پژوهش نشان داد رابطه بین استرس والدگری با بهزیستی روانی، بین رضایت زناشویی با بهزیستی روانی، بین سبک زندگی با رضایت زناشویی و بین استرس والدگری با رضایت زناشویی رابطه معنادار وجود داشت ($p < 0/01$)، اما بین سبک زندگی با بهزیستی روانی رابطه معنادار نشد ($p > 0/05$). همچنین، مسیرهای غیرمستقیم سبک زندگی با بهزیستی روانی با نقش واسطه رضایت زناشویی و نیز رابطه استرس والدگری با بهزیستی روانی با نقش واسطه ای رضایت زناشویی معنادار شدند ($p < 0/01$). براساس نتایج این پژوهش، الگوی پیشنهادی از برازش مطلوبی برخوردار است و گام بزرگی در شناسایی عوامل تاثیر گذار بر بهزیستی روانی مادران کودکان استثنایی به شمار می آید.

واژگان کلیدی: استرس والدگری، بهزیستی روانی، سبک زندگی، رضایت زناشویی